

ریجیسٹر ایران متحدة شوید

لَا شَهْ رِضا خان مُنْفُور

در میان از جار عموی بخالشیر دست
بگوشه مردم موچه همکرید و در پایاری
تو است در مقابل سبل اختراحت صوری
جهد کاری میگردت و زوره ولی سل لاز
ایشان را نهاده و خلپاده بسی
گرد و چو خوبست میگردند با افکار و
در سایرین بزم همراهی تو نهاده اند
کن خان چنان بین ایران آوردند
در بار برای مطری از پایان برای تسلیم
جوده ملت خواهند ایران پیش از بیان میباشد
و میان شرح کرده و با مخارج متفکر که
برای این خواسته خواره و خود ۲۰۰۰ میلیون
و بال از بوده ملشان را میگردند
در روزهای که روسکان حاضر
و برای این تخلصی چند و بال اشکانی میگردند
در شکاف و خون میظنهانه و در خواست
مشکل آنها را با گذشت چوب پیدهند
در پایار و دوکل خان برای اصحاب رخان
کنیت بینند کن اعراب از کشور میگردند
شارع میگردند و بال شرح بگشته

صحنه سازی رسوایر کن

و رسماً باداران هست و با گفتوگون های کار
شود از این طریقی از کفر کر، شروع
استدیعاً و اصرار گیر گردی فرستاده است
تقطیرات خود را در دن حالتی که کار
آغاز نمایند.

اگرچنان در دیگر یک قرن است که
سوسای ایشان در استادی و پایه کار
پنهان گردید که می سئه باشد و این دلایل

دیل شاهی
حمد مر کریم تهران و شهرستانها
کارگران اوزبک شهید خسرو را بست
ایران کردند و درین و زنان مبارز
ظاهر منشکن کردن من مختارند می‌باشند

ادکا سویی تکه مرکزی آن کاد طی
مرکز این ارائه نمایند این سیاستها



اعتراض خونین شاهی

دزخیان ثرت اکیز

کارگران دلیر شاهی را برگار مسلسل بستند
که رخاغه - سازمان برداش و روسان
شهر یا مازندران طاهر ابراهیم‌دیگر کرد
پیش احتساب تشکیل گردید و این «خط
دوایی» ملکه را به که در میان ملکت پسندی
استاد گران کفر گران از طرف مملکت
انتساب داشت و تخاصم ائم رعیت نمود
نه کوره امیریه و فیل از طرف دیگر
مأمورین دولت، هموارسته باز و بزم مطابق
بیه درست

رسال ۲۸ شمارت برستکشان
عماکی که از هشت ساعت شام الله شنبه
گردید پرداخت شد و شروع شد
نایاب و موقوف نباشد بسطل و باداش شروع
نمود از اکار اخاذ کر و مرد ۴۰ فرمان
دهد که ای و خواربار و سایر اشغال ما
مطلع کردند. سطح و منتهی تزلیج و جریمه
توسیه دادند. یک کارخانه در کارخانه
مسروق گردید و شرکت تاسیوی مبتداست
کارخانه شتر که کران بوجود آمد لیکن
رسنگان شاهر با احتساب پیکاپات و
پیست و لوله تیر مسد و حصار پیکاپات
آپارتمان سوانحه نهادند از هجرتی
صیانت خدمکار که متوجه کارخانه شد
چلو گردی گذشت و کنونی براحتی و دسته جمعی شد
دنان شکنی که میگذشتند خود دادند
دو آلمان رسال ۲۹ و روسای کوشانه ها
پستور دولت برای تثبیل میرنه توپیه
واخراج گرفتگران و بسطل کارخانه قدری
و دسته داوکنها شروع آزادی دادند
کوئی نیز این روز پیشنهاد نداشت
توپیه همدا تازی دادند و در جریمه مرد
ها کمتر شد و صدای یکار گردید مندرج
اعتراضی پلاک گرفت و مدت هر روز کارخانه
تثبیل گردید.
متوجه کارخانه شد که این کمیس
از سلطنت ایندیه خانایی که کارخانه به کی
ساخت

شورای متحده مرکزی در کفرانس پکن

در کفرانس پکن

با وجود فشار پیش و
حکومت قائم و استدان، با وجود
نظام اسلامیه ترین بنیان مستکنندگی
در ایران و دو کشوری خارجی علیه
خواهی منع کرد که با وجود معرض
دشمن سکنه پوشانی دولت ب ازام
که بر اینان ملام شست و میانس که
استقرار گران بینا میازد، خواهی
منع کرد که بدلیت سپاهانی علی و
بینالله خوش ادامه بدهد.
با وجود قدرت شکنیها - بیندا -
کنایه های سپاهی، خودخواهی
مای حکومت و دوبار تگی ایران و
نهضت مقدس ماهر و زر پیومنتر و
صلوف ما نشیده تر میگردید.
از همه نظر بدالله آزاده ثابت
هر شان خوازی منعه دروس رسان جهان
طبلیغ کردند است.
هزار باغه از طرف خواهی منع
توشه داد، شد. یک روی در گرهات
مسول کرد و شرکت توانی بسطور
ملادر پشت کفر گران بوجود آمد لیکن
رسانکنندگان خواهی با احتساب پیکان و
پیست و لعله بی مدد و هنگام پیکان
آپاده سوانحه تا حدودی از اجهانی
پیش شد که اگر متوجه کارهای خود
چلو گردی کند و میتواند دست چشمی: مع
دنان شکنی به میانش خود داده.
در آغاز سال ۲۹۰ روایی گفته شده
پسندور دولت برای تخلیل هزت توپه
واخراج کفر گران و تقطیل گرهاته تقدی
و انتقام از کفر گران خروج آزاده. در کفر گرهات
کوئی شرکت مطلق بنشانند رسی سطع
تولید هدایت داده و در هرچه برج
ما هم تردد و هدایت یکلار گردیده صور
اعراض بالا کرت و مدت چروز گرهات
تقطیل گردید.
مسئول گرهاته تهدید کردند که پس

مهدردی کارگران ایران

لیت بمارزین دلیر شاهی

از اسلامیه های وابسته پژوهشی متعدد ممکن است که در تبریز و شهرستانها
نشانه هایی بر روی نامه طنز و سبده است که هر گران اینچه شدید خود را بست
و دستکشی دلخیش فرمایند اور شرط خانه اهران کردند و زنان میتوانند
نه تنبلت کنند اند.

ساخته شد
هر کوئی شرک سپاهی نامی امانت
پنځونه تهیل مددوه شد و سلسله اخیرین
روایاتکار ګران ایچه گردیده. هر کوئی
نهادی با پالام اعتماد یافتنده هسته کوئی
ملکوئی پاسخ داده. رس ۱۵ ۰ دنه
فرسانه رنگی روایت ده و رسیس کارخانه ده و دزد
مهلت خواسته تا ډیروزه سپاهیا برخدا
کړک ګران شرک کړه. رس از افغان
دیوبېت ای پاځټور ساید ګکانه

1

روزنامه ظفر زبان زحمتکشان ایران است

بخوانید و بدیگر انهم بدهید بخوانند

صفنه سازی رسایی ..

اورا فاش کر مکان پاپیمہ دست د از
عسکریانی هد کار کری شوہ برباداره
عن حصار پستور از بابان خوده سی
مارکس پاپیمہ و ظاهر بطریقی از
اکار کر، و مستشاران امارات را برباده
اعلیٰ سازمان شوپس ابریل دست
و بینک تازگای زدانته، پاک اسلام،
بے سر بر سر شاپت های نوونه ای بزنان

میخواهد خیات های او را پنگار کردن، با آب زدن
شود. میخواهد بالی جله ای داشته باشد که در گران داخل گردند.
خالق از اینکه طبقه کارگر ایران
آشام شده است، میانهن و افسوس
سوزد از این گران این اینجا که بطن
نه کار گیریدن را دیر شاهر چشم دارد
انقدر میان میوه داده، باز مرغه
پل اصلی بروند و سوار و تکن بر لر
کسب از زدن این خارج خواهد شد و نه
لوش و نه و نه باشید چنان که اینها
دو گردن اینست که اینکه تزویر این
که شکر اینست که میخواهد میخواهد
آینه و اوره شاید.

ارش نایاب

ساپند سار شهر (جان جون) هر کسر
ساقی ایالت منزه و در پسر مرسو
(جنگن) در مکانی دعاهامار بر عذر کار گزین
پیروز یکدست خواری گردید است
دو شهر پیکن در میانش بیل هزار

مری کہ دن داخل کچھ (انسٹر) اپر امروں سالیں چند بارا کردید وہ
خواری مصلی رامی شریح یہ افضل
خواہی مند رکن کو کدمہ ملے
خواہی کوئی کوئی کوئی کر کے سکتے ان
وہ پلچر کر کے ان جس کے ساتھ
سل چاہیے ہے وہ کتنا ہے ، وہیں
ساید خواری مند رکن کی پیش
کیونکن لطفتے کہ اس اعلیٰ کردید
اپن کاروائیں اپنی فرات ایک ایسی
وہیں ترس دوڑو نامہ میں
وہ سوچوں سبھی دیکھ فرمادا
جس درس اسری جہل مند کو وہاں
نظر پا ہمیشہ شام و متروک ہوں
اپن کاروائیں خواری مند رکن کو
من آپر ترجیح و پیش تجویز ہے
دوستیں کو کوئی فرما تو شوامد داد
ساید گروہی مند مر کری نہ
خودوا بھلے پیغمبیر مات مند
وہام صادقین و ملکوں خدا
مند مر کری و حرب پورا اپن
میہن و زادیاں سایس دوڑ میر مند
ساید پوکوی مند مر کری نہ
مل کر کسران و سکنکن اپنی دو
کوک کارکن کا تاں تاں

حرب کارگریهای ایران، «دولان سپاهی»، پرسنل سپاهی کارگران ای اما کوچک است
برای اندرونی مبارزون و پیش امکار ملت
بران جا و بود. کارگران ایران خوب
بینادن که بیرون انتظاری از غریب
نمی‌باشد، دشمن بهم کارگران ایران جه
پیشگیران و باریاب خود («مشعل») میدارد
ای «مداعع» از کارگران مرد میکند.

پر کچک بزید و در پیش از مردم
مردم ارباب را با همکاری تا خانه
نخواهند مددجه و سلطنت ایران
بدهند و دست ملکیت اصلح بزیر که
مشهود داشتن طله کارگر و بخت
کارگران اسرای ایام حضمه مغلوبی
گردند حرب نهاد ایران آدم گرفت
گوی از منی گوی شاهزاده
نهاد و اینی کارگران در ایران با اسلام
بر این راه راه را کارگری دست کنند
همان، ناگفون باش کوه خات و زیبا
میتوانند از این راه سر کوش کردند و ای
نیزه ریان هشت شور و گذشت سی و سه
پیشگاهی کوچ سرمه ای از ایران را پیکاره
بیشترین امت که هر قدر می خواست
که این پالر اسلی و دلار و دست ادویه و ما
که این راه را برای خود می خواستیم

پس از آن و زیرا میگفتند
او بعده گلر گران و دشمن است. ولی
با اینه که بازم یاری دستور میدهد چه
سانی خود اراده نمود و نزدیک شدند
که رونک ۲ سانه اولتی طرح پیکنک
بدرقه اخراجی برخداشد.

مشنود پلک جاموسی میگرد - بس از
که هر چو روست کارش نزد عدهان تمام شد
و لولا خود خوش خودروند بخون و در عرض
بازار کند آنرا آف و تا کونن در بازارک
دوهه بر طبل و سخنوار را کنی افاده سعده
و خود روز بیرکت همای افضلان کار گردن
کوشت میکند و با اینکه کار گردن این این
اوورا و انسانه و پایانک و زور نهاده
سخنال آزاد چو خواه بارها غص شاتان

اجتیاح است.
زستکنگان شامی سپاره رستگان
خوش تصریح های خود را می خواهند که این
بلو هم ادامه نیست. آنان بارهای اشان
دلمانهای که زدن- انتراچ از کفر و سی
و گلار مسلسل تدریست است این یعنی مسندان
را نشیر بازد.

افتتاحیه خونین شاهی..

کفرگان ادوم شکنجهیم دلیل ساز
اینکه توانسته باشد اینجا باید که میر
رسی کرمانه اعلامداشت که انتساب
دبده و پطری کلی هنچ اتفاق نتواند رخواست
حشم که از گران دامون زده شد
ممصرم آریش برای گرفتن حق
حوابش آن ماده پیکار شدند.
اینکه کارهای اسلامی را
آشته میگردند.

پس از این درود از پیش از
وریس کارخانه و سایر مرا مراعم دیگر
کردند اگر نا رونده و هفتم
اده شد اختصاص عموی آغاز می شد
دولت پیش از کسران
نوج که در هزار ناگران آنها در میان
شرس شماره ۱۴۳-۱۴۲-۱۴۱-۱۴۰-۱۳۹-۱۳۸-۱۳۷-۱۳۶-۱۳۵-۱۳۴-۱۳۳-۱۳۲-۱۳۱-۱۳۰-۱۲۹-۱۲۸-۱۲۷-۱۲۶-۱۲۵-۱۲۴-۱۲۳-۱۲۲-۱۲۱-۱۲۰-۱۱۹-۱۱۸-۱۱۷-۱۱۶-۱۱۵-۱۱۴-۱۱۳-۱۱۲-۱۱۱-۱۱۰-۱۰۹-۱۰۸-۱۰۷-۱۰۶-۱۰۵-۱۰۴-۱۰۳-۱۰۲-۱۰۱-۱۰۰-۹۹-۹۸-۹۷-۹۶-۹۵-۹۴-۹۳-۹۲-۹۱-۹۰-۸۹-۸۸-۸۷-۸۶-۸۵-۸۴-۸۳-۸۲-۸۱-۸۰-۷۹-۷۸-۷۷-۷۶-۷۵-۷۴-۷۳-۷۲-۷۱-۷۰-۶۹-۶۸-۶۷-۶۶-۶۵-۶۴-۶۳-۶۲-۶۱-۶۰-۵۹-۵۸-۵۷-۵۶-۵۵-۵۴-۵۳-۵۲-۵۱-۵۰-۴۹-۴۸-۴۷-۴۶-۴۵-۴۴-۴۳-۴۲-۴۱-۴۰-۳۹-۳۸-۳۷-۳۶-۳۵-۳۴-۳۳-۳۲-۳۱-۳۰-۲۹-۲۸-۲۷-۲۶-۲۵-۲۴-۲۳-۲۲-۲۱-۲۰-۱۹-۱۸-۱۷-۱۶-۱۵-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱-۰

دانسته بود که این سایه بیان میران
و شرکه کارگران و اعتصاب ۲۷ سام
پیش از تائونی است و ظاهراً که می‌گذرد
میتواند در روز پیش از این روز
در ساخت هشت و دوی روز پیشته
بین ۱۵ و ۲۲ اوت میانه باشد -
اینها اعتصاب هموار کارگران نیزی و
حسن نیز تلکار افغان و سپس اعتصاب
کارگران شهیدومهر و حسن اجازه
کارگران کارگران می‌گردند.

لندان دادگار سر بر تراهی خود
آکود آن‌هاشکن فناور و بدبخت
خود معجزه و خوب را درمان کنند
و کسته شدگان را پنهان بسازند
و حسنهای از معجزه و خوب ساختند
و حسنهای نمودند در تقویت حاکمیت خود
را زنگنهز نمودند در تقویت حاکمیت خود
بسته و بروی باطن مزروعه اه شود
نامه اولیان شود از هنجهنگ کرد

شاهی در حال اعتصاب بود
وزن و مرد نرای گرفتن حق
خوش یا خاتمه بودند.
وزاره اول و دوم احسان
را بر روی گرگان بسته بکن بالا رسانید
اظهار اضطراری شدید، کمر گران موقوف
شده که ستمات رسن تلکراف کنند
که روز این اعتصاب ادامه پیدا کرد و
از جمیع نهادها و شرکت فرشداران ظلمی

ای در درم شکن ملارومت کار گران
بیشتر بیناد.
بالاخره روز دوسته پیچید روز
نهان سام و بد از ظهر فرماده
نظمی باقاعدگانه سله کرد و پیور
پیشوند تا لیکر افاهه سله کرد و پیور
سر زیده و گئک مردان و زنان گور گور
را آکند ساخت. در این موقع آتفه
از گارگران کار خانه بیاسداری
میگردد پیرون آمدند فرمانده
نقامی بر بازان دستور آتش
میدهد لیکن سر بازان با غیرت
اجدا از آتش گرد خودداری
میکند و بر اثر تهدید فرمانده